

روش‌شناسی منافقین از دیدگاه قرآن*

□ سید مهدی سلطانی رنانی^۱

چکیده

یکی از موضوعاتی که در متون اسلامی، به ویژه در قرآن کریم، مورد توجه قرار گرفته «روش‌شناسی منافقان» است. این تعبیر به معنای پرده برداشتن از چهره‌ی دوگانه‌ی آنان در شخصیت انسانی و هویت روحی و روانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایشان می‌باشد. قرآن در صحنه‌های گوناگونی، منافقان را در مقایسه و مقابله با مؤمنان راستین ذکر کرده و با این رویکرد از چهره‌ی درونی و واقعی‌شان پرده برداشته و سیمای کریه‌شان را که در پشت ظاهر و الفاظ فریبنده‌شان پنهان کرده‌اند آشکار نموده است. قابل ذکر این که، منافقان به دشمنی دیرینه با اسلام و ارزش‌های اسلامی معروف هستند و سرچشمه‌ی بسیاری از آفات و رذایل می‌باشند. به همین دلیل لازم است جهت جلوگیری از ضربه‌زدن و ضرر رساندن آنان به اسلام، هویت و ویژگی‌های ایشان تبیین

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۲۹.

و به مثابه بخشی از روش‌شناسی صحیح مورد بررسی قرار گیرد. نگارنده در این مقاله با ذکر معناشناسی واژه‌ی نفاق و مفهوم روش‌شناسی منافقان و ضرورت این موضوع به بحث درباره‌ی آن پرداخته و در جنبه‌های گوناگون به روش‌شناسی آنان به دو روش مقابله‌ای و تبیین ویژگی‌ها در عرصه‌های گوناگون مبادرت ورزیده است. واژگان کلیدی: قرآن کریم، نفاق، منافقین، ویژگی‌های منافقین، روش‌شناسی منافقین.

مقدمه

مسأله‌ی شناخت چهره‌ها و روش‌شناسی هویتی آنها در مقام اثبات، به مثابه نمایان ساختن اهداف و موقعیت عملی ایشان در جامعه‌ی انسانی بسیار مهم و ضروری به نظر می‌رسد و برای جامعه‌ی اسلامی آگاهی از دشمنان دیرینه‌ی خود به جهت دفع مکرها، پلیدی‌ها و آسیب‌های آنان اساسی بوده و موضوعی با اهمیت می‌باشد. یکی از این گروه از دشمنان اسلام که بسیار خطرناک بوده و قرآن کریم به عنوان سایه‌ی دائمی یهود، مشرکین و نصارا و مسیحیت از آنان یاد کرده، منافقین می‌باشند، که به زبان خود را مسلمان معرفی نموده، اما در واقع مسلمان نیستند و فرصت طلبانی هستند که هرگز حرمت مقدسات را رعایت نمی‌کنند، ولی با کمال وقاحت رعایت حرمت‌ها را از دیگران می‌خواهند (بقره، ۱۹۲؛ کمالی دزفولی، ۱۳۷۵، ۲۸-۲۷).

در قرآن کریم با تبیین ویژگی‌ها و نیز مقابله‌ی منافقین و مقایسه‌ی آنان با مؤمنان راستین به روش‌شناسی منافقین توجه گردیده است. در این رابطه ذکر نکات پایه‌ای و مبنایی حائز اهمیت می‌باشد:

۱) منافقین به آفات و عیوب اعتقادی، عاطفی و رفتاری مبتلا هستند که با حضور در جامعه و محیط اجتماعی اسلام به صورت مقطعی و منطقه‌ای و در بسیاری موارد فراگیر، ضربات مهلکی وارد می‌نمایند و اعضای اجتماع

انسانی و اسلامی را بدین آفات مبتلا و گرفتار می‌سازند و آنان را از راه فطرت پاک الهی و کمال درونی بازداشته و مانع رسیدن به اهداف متعالی می‌شوند. همچنین مسیر جامعه را از اصلاح و پاکسازی دور نموده و منحرف می‌سازند (نوروزی، ۱۳۹۰، ۱۴۹-۱۴۸).

۲) بیماری نفاق انسان را از معرفت الله و عبودیت او بازمی‌دارد و بر قلب وی مهر نهاده و جریان شناخت آدمی را از هستی و محیط پیرامون به جهل و حجاب‌های ظلمانی منتقل می‌نماید و موجب می‌شود که با هر دسته و گروهی هم صدا گردیده و اصالت و استقلال فکری و روحی او از بین برود. لذا توجه به دشمنی آنان با اسلام و نیز مقابله‌ی سرسخت و جدی‌شان با مؤمنین به وسیله‌ی امکانات و انگیزه‌های نفوذی و تقویت نفوذشان در محیط اسلامی جهت برنامه‌ریزی‌های دفاعی و فرهنگی بر از بین بردن آنان ضرورت دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸، ج ۱، ۳۳۵-۳۳۴؛ جوادی آملی، ۱۳۷۴، ۵۷-۵۹).

۳) در طول تاریخ از صدر اسلام تاکنون، منافقین برای مبارزه با اسلام و آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی به عنوان سایه و پل ارتباطی با دشمنان دیگر اسلام نقش بازی کرده‌اند.

«و هنگامی که افراد باایمان را ملاقات می‌کنند، می‌گویند: ما ایمان آورده‌ایم! (ولی) هنگامی که با شیطان‌های خود خلوت می‌کنند، می‌گویند: ما با شما ایم! ما فقط آنها را مسخره می‌کنیم» (بقره، ۱۴؛ رک: طبرسی، بی‌تا، ج ۱، ۱۲۸-۱۲۹).

۴) از دیدگاه قرآن به منظور دفع مکرها و پلیدی‌های منافقین، همه‌ی مؤمنین با بهره‌گیری از روش صحیح و مؤثر باید به دو وظیفه‌ی مهم قیام نمایند: توسعه‌ی تبیینی و تبلیغی دین خدا در بین توده‌های مردم با منطق واضح و

روشن اسلامی و از بین بردن موانع و سدهایی که منافقین با بی‌بصیرتی و تعصب بی‌مورد و لجاجت درونی خود در مسیر شناخت دینی، سیاسی و فرهنگی مسلمین از دین خدا ایجاد می‌نمایند (ر.ک: نساء، ۱۰۴ و نور، ۵۵؛ ر.ک: موسوی، ۱۳۹۰، ۱۴۷-۱۴۶).

۵) در روش‌شناسی منافقین توجه به سرچشمه‌های نفاق و رسوخ رذائل اخلاقی در نهاد ایشان ضروری به نظر می‌رسد. قابل ذکر این که منشأ نفاق «هواپرستی، تهاون و سستی در امر دین، غضب و طمع می‌باشد» و هر کدام از این امور چهارگانه خود حجابی است ضخیم در برابر دیدگان عقل و بصیرت انسانی و به مثابه تند بادهایی هستند که نور فطرت را در نهاد آدمی خاموش کرده و زیر انبوهی از خاک‌ها می‌پوشانند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸، ۳۳۲-۳۳۳؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ۳۹۳).

مفهوم شناسی

الف - واژه‌ی نفاق: این واژه ریشه‌ی دو معنایی دارد که یکی بر قطع شدن و از بین رفتن چیزی و دیگری بر مخفی نمودن و چشم پوشی از چیزی دلالت می‌کند (ابن فارس، ۱۴۱۵، ماده‌ی نفاق)؛ یا ممکن است هر دو از یک ریشه گرفته شده باشند، به معنای خروج، که در انفاق مال از کیسه خارج می‌شود و در نفاق، ایمان منافق در خفا از بین می‌رود (همان؛ محمدی، ۱۳۸۱، ۲۹۹) و به سوی کفر خارج شده است (طبرسی، بی‌تا، ذیل آیه‌ی ۱۶۷، آل عمران).

برخی نفاق را از «نفاق» به معنی شکاف دانسته‌اند و آن را گودال‌هایی تلقی کرده‌اند که در فضای جامعه توسط منافقین به وجود می‌آید و دام‌هایی که آنان برای تشکیل حزب شیطانی در محیط جامعه‌ی اسلامی می‌گسترانند (پرورش، ۱۳۵۴، ۸-۹).

در تبیین مفهوم نفاق و علت نامگذاری منافق اظهارات ذیل نیز ارائه گردیده

است:

«۱۴۵»

۱) تشبیه به یربوع؛ زیرا خزنده‌ای است شبیه موش که دو لانه می‌سازد: یکی به نام «نافقاء» که آن را مخفی می‌دارد و دیگری به نام «قاصعاء» که آشکار است، به گونه‌ای که اگر خطری از سویی متوجه او شد از سوی دیگر خود را برهاند (قرشی، ۱۳۷۲، ج ۷، ۹۹-۹۷). سبب نامگذاری اشخاص دو رو به منافق به همین تناسب است که آنها آن چه را در دل دارند با آن چه بر زبان جاری می‌کنند و یا حتی عمل می‌نمایند متفاوت است. این یک نوع بیماری و پریشانی روحی و روانی است که ناشی از حقارت و ذلتی است که در درون آنها وجود دارد. آنان خودشان را در پشت نقاب‌ها و صورت‌ها پنهان می‌سازند و به آنچه نیستند تظاهر می‌کنند و شجاعت ندارند عقاید قلبی و باطنی خود را ابراز نمایند. آنان برای فریب دادن و گمراه ساختن دیگران از هر شیوه و روشی استفاده می‌کنند (ابن اثیر، بی تا، ج ۵، ۹۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ماده ی نفق؛ ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۱۰، ۳۵۹).

۲) از جمع بندی معانی مذکور روشن می‌شود که قطعاً در مفهوم نفاق دو عنصر وجود دارد؛ عنصر دو رویی و عنصر مخفی کاری، چون منافق کسی است که دو رو بوده و این صفت خویش را پنهان می‌کند.

ب - روش شناسی منافقین: به مفهوم پرده برداشتن از چهره‌ی دوگانه‌ی آنان در هویت روحی و روانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی‌شان و نمایان ساختن شخصیت انسانی ایشان به دلیل این که به بیماری دوگانگی شخصیت گرفتار هستند و سوای این مرض درونی از حکمت‌هایی دم می‌زنند که به آن معتقد نیستند و در اصطلاح «جو فروشان گندم نمایند» و در مواقع خاص بیماری خود را بروز می‌دهند و علائم آن در سخنان و رفتارشان نمایان می‌شود (محمد قاسمی، ۱۳۹۰، ۱۷۹ با اندکی تصرف و تلخیص).

روش‌شناسی منافقین

مطابق دیدگاه قرآن کریم، روش‌شناسی منافقین به دو طریق امکان پذیر می‌باشد:

(۱) روش مقابله‌ای؛

(۲) شیوهی بیانی؛

(۱) روش مقابله‌ای

روشی که در آن جهت شناخت چیزی، کسی یا گروهی، ویژگی‌های آنها تبیین می‌گردد و سپس در مقابل، ویژگی‌های ضد آن ذکر می‌شود؛ بدین معنا که اگر در اولی چیزی شرط شود در دومی ضد آن شرط می‌گردد. مانند این فرموده‌ی خداوند که: بین عطا و بخل، پرهیزکاری و بی‌نیازی، تصدیق و تکذیب، آسانی و دشواری مقابله نموده است (قزوینی، ۱۴۲۸، ۲۹۲).

قرآن کریم جهت کاربرد روش منطقی و کارآمد در شناخت منافقین به تقابل ایمان و نفاق پرداخته و در صحنه‌های گوناگون آنان را با مؤمنان راستین مقایسه و مقابله کرده و از این طریق پرده از چهره‌ی واقعی‌شان برداشته و سیمای کریه آنان را که در پشت الفاظ فریبنده‌شان مخفی کرده‌اند، آشکار نموده است.

به عنوان نمونه قرآن کریم «پنج فضیلت» را رویاروی «پنج رذیلت» قرار داده و بدین وسیله سیمای مؤمنان و منافقان را به روشنی ترسیم کرده و در برابر هر یک از صفات این گروه صفات مقابل گروه دیگر را به نمایش گذاشته است:

مؤمنان؛ مردان و زنان با ایمان ولی یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و خدا و پیامبرش را اطاعت می‌کنند. به زودی خدا آنان را مورد رحمت (خویش) قرار می‌دهد (توبه، ۷۱).

منافقان؛ مردان منافق و زنان منافق همه از یک گروه‌اند، آنها امر به منکر و نهی از معروف می‌کنند و دست‌هایشان را از انفاق و بخشش می‌بندند، خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را فراموش کرد. به یقین منافقان، همان فاسقان‌اند

(توبه، ۶۷).

نشانه‌های مؤمنان

- ۱) امر به معروف؛
- ۲) نهی از منکر؛
- ۳) پرداخت زکات؛
- ۴) برپا داشتن نماز؛
- ۵) اطاعت از فرمان خدا و پیامبر ﷺ.

نشانه‌های منافقان

- ۱) امر به منکر؛
- ۲) نهی از معروف؛
- ۳) امساک و بخل؛
- ۴) فراموش کردن خدا؛
- ۵) فسق و خروج از تحت فرمان حق.

به این ترتیب این دو آیه، از جامع‌ترین آیاتی هستند که در آنها سیمای مؤمنان و منافقان به روشنی در دو تابلوی مختلف رویاروی هم قرار گرفته‌اند و جلوه‌ی باشکوهی از هنر مقابله‌ی قرآنی را در روش شناسی صحیح منافقان به نمایش گذاشته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۸، ۵۲-۴۴).

در صحنه‌ی دیگر، شاهد رویارویی بدیع قرآن در قالب تصویری زنده و جذاب می‌باشیم که در آن بی‌ثباتی و سستی کار منافقان و استحکام و بقای کار اهل ایمان این گونه به نمایش گذاشته شده است:

«آیا کسی که شالوده‌ی آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده بهتر است، یا کسی که شالوده‌ی آن را بر کنار پرتگاه سستی بنا نموده که ناگهان در آتش دوزخ فرو می‌ریزد؟» (توبه، ۱۰۹).

آری، منافقان به کسی می‌مانند که ساختمان خود را برابر رودخانه‌ای بنا نهاده که سیلاب، زیر آن را به کلی خراب کرده و هر لحظه آماده‌ی سقوط است و در مقابل، مؤمنان به کسی می‌مانند که برای بنای یک ساختمان، زمین بسیار محکمی را انتخاب کرده و آن را با مصالحی پردوام و مطمئن بنا می‌کند. از این مقابله معلوم می‌شود:

۱) نفاق، ظاهری دارد فاقد محتوا، همچون ساختمانی که ظاهری دارد بدون پایه و شالوده؛

۲) مکتب اهل نفاق، هر لحظه ممکن است باطن خود را نشان دهد و به رسوایی بینجامد، همچون ساختمانی که هر لحظه ممکن است فروریزد؛

۳) کیش منافق، پایه‌هایش بر اساس شک و تزلزل است، همچون پایه‌های ساختمانی که بر لبه‌ی پرتگاه، بنیان گذاشته شده است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۹، ۵۳۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۸، ۱۴۱؛ سید قطب، ۱۴۱۷، ج ۳، ۱۷۱۱ و ۱۷۱۲ و محمد قاسمی، ۱۳۹۰، ۱۸۲-۱۸۱).

نمونه‌ی دیگر در تبیین روش مقابله‌ای جهت شناخت منافقان، ارائه‌ی تقابل آنان و مؤمنان در عالم محشر است. همان‌جا که اعمال و نیات در قالب چهره‌های مناسب خود جلوه‌گر می‌شوند و ایمان که همان نور هدایت است به صورت نوری خیره‌کننده در پیشاپیش و در کنار مؤمنان به حرکت درمی‌آید و کفر و نفاق، که تاریکی محض است، به صورت ظلمت ظاهری مجسم می‌گردد و پیروانش را در ظلمتی وحشتناک رها می‌سازد (ر.ک: حدید، ۱۲ و ۱۳).

نکته‌ی جالب توجه آن که در ادامه‌ی این مقابله، سخن از دیواری به میان آمده که بین مؤمنان و منافقان کشیده می‌شود که خود دارای دو ویژگی متفاوت است؛ یعنی سمت بیرونی آن عذاب و قسمت درونی‌اش رحمت است: «در این هنگام دیواری میان آنها زده می‌شود که دری دارد درونش رحمت است و از

طرف برونش عذاب» (حدید، ۱۳).

﴿۱۴۹﴾

این دیوار در حقیقت تشبیهی است از حالی که منافقین در دنیا داشتند، چون آنان در دنیا با مؤمنین اتصال و ارتباط داشتند (و مانند کفار یک سره رابطه‌ی خود را با مؤمنین قطع نکرده بودند) و با این که با مؤمنین ارتباط داشتند با حجابی خود را از مؤمنین پنهان کرده بودند (یعنی واقعیت خود را از آنان مخفی کرده و مؤمنین حتی احتمال نمی‌دانند که این افراد ظاهر الصلاح گرگ‌هایی در لباس میش بوده باشند).

اما این که دیوار مذکور داخل‌اش که به طرف مؤمنین است مشتمل بر رحمت و بیرون‌اش که به طرف منافقین است مشتمل بر عذاب باشد، تجسمی از ایمان در دنیاست، چون ایمان نیز در دنیا نظیر همان دیوار آخرت، برای اهل اخلاص از مؤمنین نعمت و رحمت بود که از داشتن آن شادی و مسرت می‌کردند و لذت می‌بردند و همین ایمان برای اهل نفاق عذاب بود که از پذیرفتن‌اش شانه خالی می‌کردند و اصلاً از آن ناراحت و متنفر بودند (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۱۹، ۲۷۶-۲۷۵ «با اندکی تصرف و تلخیص»؛ محمد قاسمی، ۱۳۹۰، ۱۸۸).

در بسیاری از آیات دیگر قرآن جهت روش‌شناسی منافقین به شیوه‌ی مقابله‌ای، از رویارویی مؤمنان و منافقان در برابر موضوعات مختلف و واکنش‌های این دو گروه در قبال آن موضوعات سخن گفته شده است؛ مانند آیات ۹۸، ۹۹ و ۱۲۴ سوره‌ی توبه، آیات ۲ سوره‌ی مؤمنون و ۱۴۲ سوره‌ی نساء (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۴، ۲۳۱-۲۳۳ و ج ۱۴، ۲۲۲-۲۱۲؛ قرائتی، ۱۳۷۶، ج ۵، ۱۷۳-۱۴۱ ذیل آیات سوره‌ی توبه).

۲) شیوه‌ی بیانی

در این شیوه قرآن کریم برای شناخت منافقان آیات را به چند گروه تقسیم می‌کند و مطابق شخصیت و هویت آنان در عرصه‌های مختلف به سخن می‌پردازد.

الف - آیاتی که رفتار سیاسی منافقان را در جامعه‌ی اسلامی ترسیم کرده است؛

ب - آیاتی که به بیان منش و شخصیت روحی و روانی آنها پرداخته است؛

ج - آیاتی که رفتار اجتماعی منافقان را ترسیم نموده است؛

د - آیاتی که شگردهای فرهنگی منافقان را افشا می‌کند.

الف - ویژگی‌های سیاسی (شناخت شخصیت سیاسی منافقان)

در این ارتباط، موارد ذیل تبیین گردیده است:

۱) ارتباط و دوستی با بیگانگان: به طوری که با افراد جامعه‌ی خویش (مؤمنان) بسیار شیطنت‌آمیز برخورددار کرده، آنها را تحقیر و مسخره می‌کنند. پیوسته عیب‌جویی می‌نمایند؛ اما تمام تلاششان این است که خودشان را به بیگانگان نزدیک گردانند (مجادله، ۱۴).

از دیگر جلوه‌های ارتباط منافقان با بیگانگان، هم‌نشینی و گردهم‌آیی مشترک و سخن واحد با آنهاست. مخفیانه در جلسات و نشست‌های بیگانگان شرکت می‌کردند.

جلوه‌ی دیگر ارتباط منافقان با بیگانگان، اطاعت‌پذیری از آنهاست، که قرآن کریم نتیجه‌ی آن را ارتجاع و بازگشت به ارزش‌های جاهلی می‌داند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از کسانی که کافر شده‌اند اطاعت کنید شما را بر گذشته‌هایتان باز می‌گردانند و سرانجام زیان کار خواهید بود» (آل عمران، ۱۴۹). نکته‌ی قابل توجه دیگر در این مقوله آن است که منطق منافقان در برقراری ارتباط با بیگانگان چنین می‌باشد: ممکن است بیگانگان در آینده بر ما چیره شوند. ما با آنها در ارتباطیم تا اگر مسلط شدند بتوانیم به زندگی خویش ادامه دهیم (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۴، ۲۲۴-۲۲۱ و ۵۲۲-۵۱۹).

۲) ولایت ستیزی: منافقان از آن جا که با حاکمیت حق و حکومت

اسلامی دشمنی دارند و قصد ایجاد سلطه‌ی طاغوت را در سر می‌پرورانند، همواره با نظام اسلامی و مهم‌ترین رکن آن (ولایت) در ستیزند. قرآن کریم این ویژگی را از نشانه‌های عمده‌ی منافقین دانسته است: «آنها می‌گویند به خدا و پیامبر ﷺ ایمان آورده‌ایم و اطاعت می‌کنیم، ولی بعد از این ادعا گروهی از آنان روی گردان می‌شوند، آنها مؤمن نیستند و هنگامی که آنها دعوت می‌شوند که به سوی خدا و پیامبرش ﷺ بیایند تا در میان‌شان داوری کند، ناگهان گروهی از آنان روی گردان می‌شوند» (نور، ۴۷ و ۴۸).

قرآن کریم جلوه‌های عملی ولایت ستیزی منافقان جهت شناخت کامل تر آنها را این گونه ترسیم می‌کند:

الف - نپذیرفتن حکومت دینی: از خصوصیات برجسته‌ی اهل نفاق، نفی حکومت دینی و تن دادن به حکومت و حاکمیت دیگران است: «آیا ندیدی کسانی را که گمان می‌کنند به آن چه بر تو و پیشینیان تو نازل شده ایمان آورده‌اند، ولی می‌خواهند برای داوری نزد طاغوت و حاکم باطل بروند با این که به آنها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند» (نساء، ۶۰).

منافقان پیوسته در برابر دستورات پیامبر ﷺ می‌ایستادند. نه خود به حق می‌پیوستند و نه به دیگران اجازه‌ی پیوستن می‌دادند: «و هنگامی که به آنها گفته می‌شود به سوی آن چه خداوند نازل کرده و به سوی پیامبر ﷺ بیایید منافقان را می‌بینی که از قبول دعوت تو اعراض می‌کنند» (نساء، ۶۱).

ب - مخالفت عملی با دستورات ولایت: آنها (منافقان) در حضور تو می‌گویند: «فرمانبرداریم، اما هنگامی که از نزد تو بیرون می‌روند جمعی از آنان به خلاف گفته‌های تو شبانه جلسات سری تشکیل می‌دهند» (نساء، ۸۱).

ج - شکستن حریم ولایت: آنان (منافقان) از دستورات پیامبر ﷺ تخلف ورزیده و حریم شکنی می‌کردند.

همچنین به حریم پیامبر ﷺ تعرض نموده و رفتارهای زشتی از خود بروز می‌دانند؛ از جمله صدای خود را در حضور رسول اعظم اسلام حضرت محمد ﷺ بلند می‌کردند.

عملکرد دیگر آنان در این حوزه رفتارهای این بود که ولی خدا ﷺ را ساده لوح می‌خواندند (ر.ک: حجرات، ۲ و توبه، ۶۱).

۱) **فرصت طلبی:** مفهوم این ویژگی آن است که برای منافقان فقط منافع آنان مهم است و بس و مصداق عملی این ویژگی سیاسی در آنان را می‌توان در کسب غنائم و گریز از صحنه‌های نبرد دانست، زیرا آنان هرگاه مسلمین در نبردی پیروز می‌شدند، خود را همراه ایشان نشان می‌دادند تا از غنائم جنگی بهره‌مند شوند و آن گاه که شکست بر مسلمانان وارد می‌شد به دشمنان اسلام می‌گفتند: آیا ما به شما نگفتیم که پیروز خواهید شد، سهم ما را نیز پرداخت کنید (ر.ک: قرائتی، ۱۳۷۶، ج ۳، ذیل آیه ی ۱۴۱ سوره ی نساء؛ همو، ۱۳۸۷، ۲۲۶).

۲) **فتنه‌گری:** از دیگر ویژگی‌های سیاسی در رفتار عملی منافقان که قرآن کریم به صراحت از آن یاد می‌کند فتنه‌گری است. آنها با ایجاد فتنه در جامعه‌ی اسلامی در صدد رسیدن به اهداف شوم خود هستند. در مورد فتنه‌گری منافقان دو احتمال معنایی ارائه گردیده است: اولاً منظور از فتنه‌گری آنان تلاش در جهت ایجاد اختلاف در جامعه و تشتت بین مسلمانان است. ثانیاً احتمال می‌رود که مراد از فتنه‌گری ترویج شرک و بی‌ایمانی باشد، که اکثراً احتمال معنایی اول را پذیرفته‌اند. به عنوان نمونه، علامه طباطبایی رحمته‌الله در این خصوص چنین فرموده است: معنای این که فرمود: بیغونکم الفتنة این است که منافقان خواهان فتنه برای شما هستند، یا در شما، و فتنه به معنای محنت و گرفتاری است و از انواع گرفتاری آن چه مناسب با مقام است همان تفرقه و اختلاف کلمه است (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۹، ۲۹۰).

پس منافقان پیوسته در پی ایجاد اختلاف بودند تا مجدداً کفر را حاکم سازند و حضورشان در جبهه‌ی جهاد، عامل تضعیف روحیه و ایجاد تفرقه و تردید است: «اگر آنها همراه شما (به سوی میدان جنگ خارج شوند) جز اضطراب و تردید چیزی برای شما نمی‌افزودند و به سرعت در بین شما به فتنه‌گری (ایجاد تفرقه) می‌پرداختند و در میان شما افرادی سست و ضعیف و ساده لوح هستند که به سخنان آنها کاملاً گوش می‌سپارند و خداوند ظالمان را می‌شناسد» (توبه، ۴۷).

ب - ویژگی‌های روحی و روانی (شناخت شخصیت روانی منافقان)

از جمله نکات و مواردی که قرآن در باره‌ی روان شناسی منافقان و ویژگی‌های روحی و روانی آنها بیان می‌کند عبارت از موارد ذیل است:

۱ (تکبر: «ولی به آنان (منافقان) گفته می‌شود: بیاید تا پیامبر خدا ﷺ برایتان استغفار کند، سرهای خود را متکبرانه گردانده و آنان را می‌بینی که با تکبر روی گردان می‌شوند» (منافقون، ۵).

به عقیده‌ی بسیاری از مفسران، منافقین در اثر تکبر و نخوت درونی که دارند درون قلب‌هایشان آلوده و تاریک است، به هنگامی که زمینه‌ای پیش می‌آید، نه بر انسان‌ها رحم می‌کنند و نه بر حیوان و زراعت و در نهایت، اندرز هیچ ناصحی را پذیرا نیستند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ۱۳۶-۱۳۵).

۲ (ترس: اصولاً جایی که ایمان وجود دارد، شجاعت نیز هست و شجاعت از صفات مؤمنان راستین است، اما از آن جا که منافقان بهره‌ای از ایمان ندارند و اعتماد و توکل بر خداوند به عنوان قدرت لایزال برایشان مفهومی ندارد، همواره از قدرت‌های موجود در هراس‌اند، به ویژه در میدان جنگ، که همیشه فراری هستند و از دور نظاره گر نتیجه‌ی مبارزه می‌باشند: «هنگامی که (لحظات بحرانی) و ترس پیش آید، می‌بینی آن چنان به تو نگاه می‌کنند و چشم‌هایشان در حدقه می‌چرخد که گویی می‌خواهند قالب تهی کنند» (احزاب، ۱۹).

نمونه‌ی این ویژگی در منافقان را باید در ماجرای مربوط به صحنه‌ی جنگ احزاب جستجو نموده و تشریح کرد: آنان به دلیل بیمار دلی و هراس درونی که داشتند، کفر باطنی خود را آشکار ساخته و تمامی وعده‌های خدا و پیامبرش ﷺ را فریب و دروغ می‌شمارند و در صحنه‌ی دیگر این نبرد با سست عنصری، هنگامی که می‌بینند دشمنان از هر سو مدینه را محاصره کرده‌اند و دیری نمی‌پاید که این شهر را اشغال نظامی کنند، نقاب از چهره برمی‌گیرند و به دلیل ترس و وحشت، پیشنهاد دشمن را برای پذیرفتن آیین شرک و کفر، به سرعت می‌پذیرند و در این راه اندکی نیز درنگ نمی‌کنند (ر.ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۶، ذیل آیات ۱۹ و ۲۰ سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب).

۳ (دلهره و اضطراب: این ویژگی از آن جا ناشی می‌شود که ظاهرشان متفاوت با باطن‌شان است و همواره نگران‌اند که اسرار باطنی آنها فاش و چهره‌ی واقعی‌شان آشکار شود: «منافقان از آن بیم دارند که سوره‌ای بر ضد آنها نازل گردد و به آنها از اسرار درون قلبشان خبر دهد، بگو: استهزا کنید، خداوند آن چه را از آن بیم دارید آشکار خواهد کرد» (توبه، ۶۴).

۴ (لجاجت: یک بیماری روحی و از موانع عمده‌ی معرفت صحیح است که منافقان بدان گرفتار هستند و این گونه در درون آنها جلوه‌گر است که سبب شده تا نشنوند آن چه را که باید بشنوند، نبینند آن چه را که باید ببینند، و نگویند آن چه را که باید بگویند. با این که چشم، گوش و زبان دارند، اما به خاطر لجاجت، از این نعمت‌های عظیم بی‌بهره‌اند: «آنها کر و لال و گنگ‌اند، پس (از راه خطا) باز نمی‌گردند» (بقره، ۱۸، ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۱۴۶-۱۴۲).

نکته‌ی دیگر در تبیین و شناخت صحیح منافقان، تحت این ویژگی روانی آنان، آن است که خداوند ابزارهای شناخت منافقان را ناکارآمد جلوه می‌دهد و

در حقیقت چشم، گوش و زبان طبیعی دارند، ولی بر اثر لجاجت، پرده‌های ظلمانی جهل، تعصب، تقلید کورکورانه و کفر بر چشم و گوش آنها سایه افکنده است، به طوری که ابزارهای شناخت آنان کارآمد نیست و حقایق را درک نمی‌کنند و به بن بست معرفتی رسیده‌اند؛ از این رو باز نمی‌گردند.

آری، گویا آنان اصلاً حقایق را نمی‌بینند و نمی‌شنوند و حتی بر زبان جاری نمی‌کنند، به طوری که گویا گنگ هستند و توفیقات الهی از آنان سلب می‌شود و به حال خود رها گردیده‌اند تا در تاریکی‌ها سرگردان بمانند (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۲، ۱۱۹؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۱۹۰-۱۸۸).

چشم باز و گوش باز و این عمی حیرتم از چشم بندی خدا
(مولوی)

۵) **هواپرستی:** منشأ این ویژگی روانی در منافقان آن است که به جای تسلیم در برابر حق و تبعیت از عقل و نقل، تابع امیال و هواهای شیطانی خویش هستند: «آنها کسانی هستند که خداوند بر دل‌هایشان مهر نهاده و از هوای نفس پیروی کرده‌اند» (محمد، ۱۶).

بر اثر این ویژگی روانی، دو رذیله‌ی کبر و خود بزرگ بینی و ریاست طلبی و دنیا گرایی در وجود منافقان تقویت گردیده و قابل شناسایی است، به طوری که آنان به جای پیروی از امر و نهی الهی از هوس‌ها و امیال شخصی تبعیت می‌نمایند و مسیر ضلالت را می‌پیمایند (بهرام پور، ۱۳۸۱، ۶۰-۵۷).

در تبیین روان شناسی منافقان، حضرت امام علی علیه السلام به ویژگی‌های ذیل اشاره می‌نمایند:

۱) به رنگ‌های گوناگون ظاهر می‌شوند و از ترفندهای گوناگون برای گمراهی و هراس افکنی استفاده می‌کنند.

۲) قلب‌هایشان بیمار و ظاهرشان آراسته است.

۳) پنهانی راه می‌روند و از بی‌راهه‌ها حرکت می‌کنند، به طوری که وصفشان

دارو و گفتارشان درمان، اما کردارشان دردی است بی‌درمان.

۴) بر رفاه و آسایش مردم حسادت می‌ورزند و بر بلا و گرفتاری آنها می‌افزایند و امیدواران را ناامید می‌کنند.

۵) آنان برابر هر حقی، باطلی و برابر هر دلیلی، شبهه‌ای و برای هر زنده‌ای قاتلی و برای هر دردی کلیدی و برای هر شبی چراغی تهیه کرده‌اند. به طوری که با اظهار یأس می‌خواهند به مطامع خویش برسند.

۶) در آغاز، راه را آسان و سپس در تنگناها به بن بست می‌کشانند. سخن می‌گویند، اما به اشتباه و تردید می‌اندازند. آنها یاوران شیطان و زبانه‌های آتش جهنم می‌باشند (دشتی، ۱۳۷۹، خ ۱۹۴ و همو، ۱۳۷۶، ۵۵).

ج - ویژگی‌های فرهنگی (شناخت شخصیت فرهنگی منافقان)

۱) خودی جلوه کردن: منافقان برای آن که بتوانند به اقدامات خراب کارانه‌ی خود ادامه دهند و به تخریب فرهنگی و اعتقادی بپردازند، قبل از هر چیز، به اعتماد مسلمانان نیاز دارند. برایشان ضروری است که مسلمانان، آنها را از خود بدانند و به آنها به دیده‌ی تردید ننگرند.

بنابراین، از اهداف عمده و ویژگی فرهنگی منافقان، تلاش برای خودی جلوه کردن و کسب اعتماد عمومی مسلمانان است و در این راستا از راه‌های مختلفی بهره می‌گیرند، که مهم‌ترین آنها عبارت است از اظهارات دروغ و ریاکارانه، قسم‌های باطل، توجیه روش نادرست خویش و ظاهرسازی (نوروزی، ۱۳۹۰، ۱۴۰-۱۳۷).

الف - اظهارات دروغ و ریاکارانه: بدین منظور گاهی به صورت دسته جمعی به حضور پیامبر ﷺ آمده و به رسالت آن حضرت به ظاهر اقرار می‌کردند و خداوند به صراحت آنها را در این امر دروغ گو معرفی می‌کند: «هنگامی که منافقان نزد تو می‌آیند، می‌گویند: ما شهادت می‌دهیم که همانا تو رسول خدایی،

خداوند می‌داند که تو رسول او هستی ولی خداوند شهادت می‌دهد که منافقان دروغ گو هستند» (منافقون، ۲ و ۱).

پیامبر اعظم ﷺ درباره‌ی این خصوصیت منافقین، در فرمایشی گهربار و الهی جهت شناخت صحیح آنها چنین می‌فرماید: نشانه‌های منافق سه چیز است: هنگامی که سخن می‌گوید دروغ می‌گوید و اگر وعده دهد پیمان شکنی می‌کند و اگر امانتی به او بدهی خیانت می‌کند (قمی، ۱۴۱۴، ماده‌ی «نفاق»).

ب - قسم‌های باطل: منافقان از سوگندهای دروغ خویش جهت نفوذ در جمع مؤمنان بهره می‌گیرند. اما این امر در کزروی و ناآگاهی آنان ریشه دارد. بدین دلیل که سود و زیان خود را نشناخته، با قسم‌ها و سوگندهای باطل، در بازار دنیا بهای هدایت را پرداخته و در عوض کالای زیان بار گمراهی را خریداری می‌کنند و مردم را از راه خدا بازمی‌دارند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ۵۲).

بفروخته دین به دنیا از بی‌خبری

یوسف که برده درم فروشی چه خری

«سوگندهای دروغ خود را سپر خویش قرار داده، مردم را از راه خدا باز می‌دارند» (منافقون، ۲).

ج - توجیه روش نادرست خویش: روش دیگری که منافقان برای جلب رضایت مؤمنان و اثبات حسن نیت و خودی بودن خویش از آن سود می‌برند، توجیه اقدامات خویش است. به عنوان مثال، آنها در توجیه عدم حضورشان در جنگ تبوک قصد داشتند ناتوانی خود را مطرح کنند و خداوند نیز پیشاپیش، آنها را در این بهانه و توجیه تکذیب می‌کند: «منافقان اگر غنایمی نزدیک و سفری آسان باشد، از تو پیروی می‌کنند، ولی (اکنون که برای میدان تبوک) راه برای آنها دور و مشقت بار است (سر باز می‌زنند) و به زودی به خدا سوگند یاد می‌کنند که

اگر توانایی داشتیم، همراه شما حرکت می‌کردیم، و خداوند می‌داند آنها دروغ گو هستند» (توبه، ۴۲).

د - ظاهر سازی: عبارت از رعایت شدید ظواهر دینی و سخنان زیبا و عوام پسند و ابراز نظرات اصلاح طلبانه از سوی منافقین برای القای خودی بودن خویش در جمع مؤمنین و مسلمین؛ تا آن جا که به تصریح قرآن حتی پیامبر اعظم ﷺ را نیز به تعجب و حیرت وامی‌داشت: «هنگامی که آنها (منافقان) را می‌بینی جسم و قیافه‌ی آنها تو را در شگفتی فرو می‌برد و اگر سخن بگویند به سخنانشان گوش می‌دهی» (منافقون، ۴).

۲ (تضعیف باورهای دینی: این مقوله، دومین ویژگی از رفتار فرهنگی منافقان و شاخصه‌ی شناخت شخصیت فرهنگی آنان است. با این خصیصه هدف‌شان آن است که روح اسلام را از مسلمانان گرفته و آنان را از اعتماد راسخ به دین، اهداف و نتایج آن بازدارند و مهم‌ترین راه‌کارشان برای تثبیت و نیل به این هدف شوم، شبهه‌افکنی است. به طوری که با القای شبهات گوناگون، مسلمانان را به وادی تردید در باورهای دینی بکشانند (رک: آل عمران، ۱۵۴؛ نوروزی، ۱۳۹۰، ۱۴۱-۱۴۰).

د - ویژگی‌های اجتماعی (شناخت شخصیت اجتماعی منافقان)
در تبیین ویژگی‌های اجتماعی و روش‌شناسی شخصیتی منافقان در عرصه‌ی اجتماعی می‌توان به مواردی همچون امر به منکر و نهی از معروف، شعار اصلاح و ایمان، بخل، کینه توزی و استهزا و عیب‌جویی مؤمنان اشاره نمود.

۱ (امر به منکر و نهی از معروف: هدف حزب نفاق، از بین بردن ارزش‌های اسلامی با اشاعه‌ی منهیات الهی و انواع منکرات در اجتماع اسلامی و انسانی است که با رفتار و گفتار خویش این هدف شوم را پی می‌گیرند.
«مردان منافق و زنان منافق همه از یک گروه هستند، آنها امر به منکر و نهی

از معروف می‌کنند» (توبه، ۶۷).

﴿۱۵۹﴾

۲) **شعار اصلاح و ایمان:** منافقان همیشه با ظاهر اصلاح‌گری و ایمان در جامعه ظاهر شده و هیچ‌گاه به صراحت سخن از مبارزه با دین و نظام اسلامی ندارند. نمونه‌ی این خصیصه، توطئه‌ی مسجد ضرار می‌باشد (توبه، ۱۰۷).

۳) **بخل:** منافقان از صرف مال در مسیر مصالح جامعه خودداری می‌کنند و نه تنها خودشان گرفتار امساک و خشک دستی هستند و اهل خدمت به محرومان و گرفتاران نیستند، بلکه دیگران را نیز از انفاق و خدمت به هم‌نوع باز می‌دارند: «آنها (منافقان) کسانی هستند که می‌گویند به افرادی که در کنار رسول خدا ﷺ هستند انفاق نکنید تا پراکنده شوند» (منافقون، ۷).

۴) **کینه توزی:** منافقان آن چه در دل‌های خود مخفی کرده‌اند، به مراتب بیش از چیزی است که گاهی در گفتارشان دیده می‌شود. آنان به مؤمنان و نظام اسلامی کینه و عداوت شدید دارند و همواره شعله‌ی این کینه در سینه‌هایشان فروزان است: «نشانه‌های دشمنی از کلام و دهان‌شان آشکار شده و آن چه در دل‌هایشان پنهان می‌دارند از آن مهم‌تر است» (آل عمران، ۱۱۸).

۵) **استهزا و عیب‌جویی مؤمنان:** قرآن کریم به این ویژگی آنان این چنین تصریح نموده است: «هنگامی که منافقان افراد با ایمان را ملاقات می‌کنند می‌گویند: ما ایمان آورده‌ایم، ولی هنگامی که با شیطان‌های خود خلوت می‌کنند می‌گویند: ما با شما بییم، ما فقط آنها را مسخره می‌کنیم» (بقره، ۱۴).

نتیجه‌گیری

در این مقاله، جملات ذیل به عنوان نتیجه جلب نظر می‌نماید:

۱) روش‌شناسی منافقان به دلیل جلوگیری از ضربه‌زدن‌های مهلک و فسادهای شوم آنها در جامعه‌ی اسلامی، در عصر امروز امری مهم و ضروری به نظر می‌رسد.

۲) روش‌شناسی مناققان تعبیر عامی است با برداشت‌های خاص و در مواضع و ویژگی‌های شخصیتی خاص، با دو شیوه‌ی مقابله‌ای و بیانی که به پرده برداشتن از چهره‌ی دو گانه و بیماری دو گانگی شخصیتی آنان می‌انجامد و این روش برگرفته از قرآن کریم می‌باشد.

۳) در روش مقابله‌ای جهت شناخت صحیح مناققین به رویارویی صحنه‌های ایمان و نفاق با دو رویکرد ارزشی و ضد ارزشی پرداخته می‌شود.

۴) در روش بیانی، جهت شناخت صحیح مناققان به تبیین ویژگی‌های شخصیتی ایشان در عرصه‌های روحی و روانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مبادرت می‌شود و به نوعی آفات و رذایل درونی آنان در این عرصه‌ها ذکر و بررسی می‌شود.

منابع و مآخذ

• قرآن کریم.

۱) ابن اثیر (جزری)، مجد الدین ابوالسعادات مبارک بن محمد (بی‌تا)، **النهایه فی غریب الحدیث و الأثر**، قم، چاپ چهارم.

۲) ابن فارس، احمد (۱۴۱۵)، **معجم مقاییس اللغة**، بیروت، دارالفکر، الطبعة الاولى.

۳) ابن منظور (۱۳۶۳)، **لسان العرب**، قم، نشر ادب حوزه.

۴) بهرام‌پور، ابوالفضل (۱۳۸۱)، **نگاهی به سوره‌ی حضرت محمد ﷺ**، قم، مؤسسه‌ی انتشارات هجرت.

۵) پرورش، سید علی اکبر (۱۳۵۴)، **قرآن و خطوط انفاق**، اصفهان، نشر حکمت.

۶) جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۴)، **شناخت شناسی در قرآن**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.

- ۷) دشتی، محمد (۱۳۷۹)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، قم، انتشارات مشرقین.
- ۸) دشتی، محمد (۱۳۷۶)، فرهنگ معارف نهج البلاغه، قم، مؤسسه‌ی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
- ۹) راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی‌تا)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالمعرفة.
- ۱۰) رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷)، تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، چاپ اول.
- ۱۱) طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۲) طبرسی، ابی علی الفضل بن الحسن (بی‌تا)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- ۱۳) غزالی، ابو حامد محمد بن محمد (بی‌تا)، احیاء علوم الدین، بیروت، دارالهادی، چاپ اول.
- ۱۴) فیض کاشانی، مولی محسن (بی‌تا)، المحججه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، قم، دفتر نشر اسلامی، چاپ دوم.
- ۱۵) قرائتی، محسن (۱۳۷۶)، تفسیر نور، قم، مؤسسه‌ی در راه حق، چاپ دوم.
- ۱۶) قرائتی، محسن (۱۳۸۷)، چهار صد نکته از تفسیر نور، تنظیم و تدوین: عباس بابائیان، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ اول.
- ۱۷) قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۲)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ یازدهم.
- ۱۸) قزوینی، محمد بن عبدالرحمن (۱۴۲۸ق)، الایضاح فی علوم البلاغه، تحقیق: عبدالحمید هنداوی، قاهره، مؤسسه المختار.
- ۱۹) قطب، سید (۱۴۱۷ق)، تفسیر فی ظلال القرآن، قاهره، دارالشرق.

- ۲۰) قمی، عباس (۱۴۱۴ق)، *سفینه البحار*، تهران: دارالاسوة، چاپ اول.
- ۲۱) کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۵)، *الاصول من الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- ۲۲) کمالی دزفولی، علی (۱۳۷۵)، *قرآن و جامعه*، تهران، نشر اسوه، چاپ سوم.
- ۲۳) محمد قاسمی، حمید (۱۳۹۰)، *روایاتی صحنه‌های در قرآن*، قم، مؤسسه‌ی بوستان کتاب، چاپ دوم.
- ۲۴) محمدی، حمید (۱۳۸۱)، *مفردات قرآن*، قم، دارالعلم، چاپ دوم.
- ۲۵) مطهری، مرتضی (۱۳۸۲)، *آشنایی با قرآن*، تهران، انتشارات صدرا، چاپ هجدهم.
- ۲۶) مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از دانشمندان (۱۳۸۸)، *پیام قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم.
- ۲۷) مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از دانشمندان (۱۳۸۷)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهل و هفتم.
- ۲۸) موسوی، سید صمد (۱۳۹۰)، *دشمن شناسی و رویارویی یهود با اسلام*، قم، مجله‌ی مبلغان، ش ۱۳۸، معاونت تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
- ۲۹) مهدوی کنی، محمد رضا (۱۳۷۹)، *بیست گفتار در اخلاق عملی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- ۳۰) نوروزی، محمد (۱۳۹۰)، *آسیب شناسی رفتاری انسان از دیدگاه قرآن*، قم، مؤسسه‌ی بوستان کتاب، چاپ پنجم.
- ۳۱) هاشمی رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۷۹)، *تفسیر راهنما*، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم.